

سوالات مرتبط با تدوین چشم انداز

۱. مهم‌ترین انتظارات ذینفعان بالادستی از حوزه فناوری اطلاعات در دین کدام است؟

این افراد را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد؛ گروهی که به دلیل اعتقاد راسخ و ایمان قوی به اهداف و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی در تلاش هستند فن‌آوری اطلاعات را که یک ابزار قدرتمند در اختیار امپریالیسم رسانه‌ای غرب است، در اختیار اسلام قرار دهند و اگر حتی نتوان از آن برای تبلیغ دین استفاده کرده، حداقل ضایعه‌های غربی را از آن زدود. اما گروه دوم اقلیتی هستند که به دلیل اقتضائات اجتماعی دوران پس از انقلاب برای رشد درجه و مقام و موقعیت سیاسی- اجتماعی خود تلاش می‌کنند گزارش کارهای طویل و مفصل برای خدمت خود به اسلام و انقلاب فراهم نمایند. این گروه دوم بیشتر به سوی کارهای نمایشی تمایل دارند و کمتر زیربنایی به این حوزه می‌نگرند. گروه اول نیز تجربه نشان داده به سادگی توسط گزارش‌های ساختگی گروه دوم فریب می‌خورند و باور می‌کنند واقعاً کارهای مؤثری در این حوزه صورت پذیرفته است!

در هر صورت انتظارات گروه اول را می‌توان در گزاره‌های ذیل خلاصه کرد که طبیعتاً گروه دوم هم با نمایش در همین گزاره‌ها کسب مقام و موقعیت می‌نمایند:

۱. نمایش عظمت و قدرت شیعه بر صحنه اینترنت، با ایجاد سایت‌های مذهبی بزرگ
۲. تولید نرم‌افزارهای اسلامی پرطمطراق با گرافیک‌های بسیار قوی و ظاهری شیک
۳. به‌کارگیری آخرین و به‌روزترین فن‌آوری‌های دنیا در فعالیت‌های مذهبی
۴. اختراعات و ایجاد نوآوری در فن‌آوری به نحوی که ایران را در صدر اخبار جهان قرار دهد و امکان فخرفروشی در عرصه فن‌آوری فراهم نماید که به تبع اسلامی بودن این کشور، به نوعی تبلیغ دین اسلام محسوب می‌شود
۵. استفاده از الگوی متناظر، به نحوی که به ازای هر سایت معروف در دنیا، یک سایت مشابه آن در ایران تأسیس شود، تا عظمت اسلام را نشان دهد

۲. مهم‌ترین فرصت‌ها و نیازهای پیش رو برای توسعه کاربری فناوری اطلاعات در دین کدام است؟

فرصت‌ها را در سه حوزه می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. قلمرو و گستره جهانی: دنیای امروز در شرایط عجیبی قرار گرفته است. گویا آن‌طور که آوینی فرمود، غرب درب‌های قلعه خود را به روی جهان گشوده است. او برای هجمه به فرهنگ امروز دنیا و ایجاد دهکده جهانی آرمانی خود، ناگزیر شده تمام دروازه‌های خود را بگشاید، تا خروجی پر قدرتی ایجاد نماید. حال این‌که همین

دروازه‌ها می‌تواند ورودی فراخی برای هجمه به تمدن غرب محسوب شوند. این فرصتی است که پس از قرن‌ها برای ما فراهم شده است و باید سریع از آن بهره برد. همان‌طور که غرب می‌تواند امروز با کودکان و جوانان و نوجوانان ما، زن و مرد، مستقیم دیالوگ نماید، ما نیز متقابلاً می‌توانیم با تک‌تک شهروندهای کشورهای غربی و ملل غیر مسلمان از نزدیک مباحثه داشته باشیم و با توجه به قدرت برتر ایمان اسلامی نیست به تمامی مکاتب دیگر، از منظر برهانی بودن، قطعاً امکان فراوری هزاران «آنیلی» وجود دارد.

۲. قلمرو ذی‌نفعان بالادستی: این گروه که بودجه‌ها را در اختیار دارند، به دلیل فتنه‌هایی که غرب در سال‌های اخیر پدید آورده، کاملاً قانع شده‌اند که باید در حوزه فن‌آوری اطلاعات و دین خرج نمایند. قطعاً این نیز فرصتی است که در سال‌های قبل در اختیار نبود. روزهایی در خاطر هست که برای ایجاد یک سایت کوچک در فلان دفتر مذهبی ساعت‌ها باید مسئول را توجیه می‌کردیم و می‌گفت: «سایت برای چی؟». اما امروز به سادگی می‌پذیرند میلیون‌ها تومان برای یک سایت هزینه نمایند. این نیز فرصتی بزرگ است.

۳. قلمرو دانش‌پذیری جوانان: کتاب‌های زیادی ترجمه شده است به فارسی در آموزش فن‌آوری‌های نو. اینترنت هم ابزاری شده برای یادگیری فن‌آوری‌های به‌روز. حجم زیاد جوانانی که امروز مسلط به فن‌آوری شده‌اند فرصتی شگرف برای تعالی رابطه دین و فن‌آوری در عصر حاضر است.

۳. مهم‌ترین چالش‌ها (ضعف، قوت، تهدید) در حوزه کاربری فناوری اطلاعات در دین کدام است؟

چالش‌ها نیز به طرز عجیبی با فرصت‌ها تناظر یک به یک دارند:

۱. هجمه جهانی: اگر دشمن دروازه‌های قلعه خود را گشوده است، برای هجمه‌ای سراسری و جهانی و همه‌جانبه است. شدت اطلاعاتی که تولید می‌شود و حجم فراوان آن و خصوصاً پیوندی که این حجم داده‌ها با ساختار فن‌آوری‌های تولید شده در غرب دارند، شرایطی را فراهم آورده است که از یک سو، به‌کارگیری فن‌آوری در عرصه نیازهای دینی دشوارتر از استفاده آن‌ها در مسیرهای لغو و بیهوده است و از سوی دیگر، تا یک سایت یا نرم‌افزار از سوی ما تولید شود، هزاران سایت و نرم‌افزار منحرف‌کننده از سوی دشمن تولید شده است.

۲. نادانی ذینفعان بالادستی: مدیران اگر چه نسبت به اصل نیاز به حضور مذهبی در عرصه فن‌آوری اطلاعات توجیه شده‌اند، اما نسبت به ساختار این ابزار کاملاً بیگانه و ناآشنا هستند. به چند نمای ظاهری فریب می‌خورند و هنگامی که یک پروژه واقعی و عظیم به آن‌ها عرضه می‌شود، عمق پروژه را درک نکرده و نمی‌پذیرند. به چند لوگو و کار تبلیغاتی می‌توان بسیاری از مدیران را سرکیسه کرد و بودجه‌ها را به جای صرف شدن در پروژه‌های قدرتمند مذهبی، مصرف امور بیهوده و بی‌صرفه نمود.

۳. ضعف ایمان جوانان: هر چه زمان می‌گذرد، اگر چه جوانان ما به فن‌آوری‌های نوین مسلط‌تر می‌گردند، ولی به دلیل رها بودن سامانه آموزش و پرورش در کشور که در سال‌های اخیر آسیب آن جدی‌تر شده است، جوانان از ایمان و مذهب دورتر می‌شوند و نسبت به انقلاب تعصب کمتری از خود نشان می‌دهند. در اوج دورانی هستیم که پول و ثروت‌اندوزی تبدیل به آرمان جوانان می‌شود و استفاده از آنان برای توسعه فن‌آوری‌های مرتبط با دین دشوارتر می‌گردد.

۴. تصویر مطلوب برای کاربری فناوری اطلاعات در حوزه دین (تبلیغ، آموزش، پژوهش، خدمات و اطلاع‌رسانی، و ...) کدام است؟

اصلی‌ترین عنصر در ترسیم هر تصویر مطلوبی، قدرت ساماندهی «نیروی انسانی» است. ما اگر بتوانیم شرایطی را فراهم آوریم که به بهترین وجه افراد متخصص جامعه بتوانند دسترسی به «سرمایه» و «اطلاعات» و «مجوز»‌های مورد نیاز برای فعالیت مذهبی و دینی داشته باشند، جامعه به طور طبیعی در مسیر خواسته‌ها و آرمان‌های خود حرکت خواهد کرد. اگر فعالیت پرورشی انقلاب را بازسازی کرده و انگیزه‌های ایمانی را ترویج دهیم، بر مبنای «لا اکره فی الدین» اگر تنظیم شود، به صورت خودبه‌خود بیشتری آثار حاصل شده در مسیر توسعه مبانی دینی و مذهبی خواهد شد. دقیقاً همان اتفاقی که در انقلاب افتاد. هیچ سازمان یا نهاد دولتی و حاکمیتی نمی‌تواند در تمامی حوزه‌ها به درستی فعالیت نماید. باید جهت حرکت را ترسیم کرد و امکانات را به شایستگان رساند. مطلوب‌ترین تصویری که می‌توانم تصور کنم این است که «ابزار» و «امکانات» در اختیار افراد شایسته بر اساس یک مکانیزم پویا قرار گیرد. گام بعدی را شایستگان طی خواهند کرد!

۵. چه سیاست‌ها و اقداماتی برای تحقق تصویر مطلوب لازم است؟

ما نمی‌توانیم شایستگان را بیابیم و ابزارها و امکانات را در اختیارشان قرار دهیم. زیرا پس از آن در مدت کوتاهی آن‌ها به دلیل نزدیک شدن به «قدرت» و «ثروت» در مظان از دست دادن شایستگی قرار می‌گیرند و دوباره همه چیز به وضع نابه‌سامان خود باز می‌گردد. بلکه ما باید «سامانه شایسته‌سالار» طراحی و حاکم کنیم.

مکانیزم‌های هوشمندی که افراد شایسته در آن بالا آیند و افراد از دست داده شایستگی به صورت هوشمندانه پایین بروند. چنین غربالی امروز در تمامی بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌شود و به صورت یک نورم اجتماعی به کار می‌رود. به صورتی که اگر یک مدیر نتوانست مطلوبیت‌های سود سهام‌داران را فراهم نماید به صورت خودبه‌خودی از سیستم حذف می‌شود و امثال «شهرام جزایری» که بتوانند بهره پول را بیش‌تر از دیگران بپردازند خودبه‌خود بالا می‌آیند. مشابه همین سامانه را باید در عرصه فرهنگ طراحی و راه‌اندازی نماییم. پس از آن دیگر کار عمده‌ای نخواهیم داشت جز این‌که به این مخلوق خود بنگریم و از عظمت و رشد آن بهره‌مند شویم!

سوالات مربوط به تحلیل وضع موجود

(۱) مهمترین توانمندی‌های موجود در وضعیت فعلی کاربری فناوری اطلاعات در دین کدام است؟

به نظرم همان فرصت‌ها که ذکر شد، توانمندی‌های موجود باشند.

(۲) مهمترین چالش‌های موجود در وضعیت فعلی کاربری فناوری اطلاعات در دین کدام است؟

چالش‌ها در بخش قبلی بیان شد.

(۳) کدام کارکردها و موضوعات محتوایی در شرایط فعلی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و به کدام کارکردها کمتر توجه شده است؟

کارکردهای اطلاع‌رسانی بیشترین بخشی از فن‌آوری بوده که در عرصه مذهب به کار گرفته شده، ولی نسبت به کارکردهای آموزشی، پژوهشی و ارتباطی هنوز توجه کافی مبذول نشده است.

(۴) آیا شباهت‌ها و موازی‌کاری خاصی بین مراکز موجود است؟ بهترین ابزارها برای ایجاد هم‌افزایی بین مراکز و هم‌چنین حمایت از آنها کدام است؟

مهم‌ترین ابزارهای نمایشگر «فعالیت‌های موازی» و «فضاهای خالی از کار» که وظیفه جهت‌دهی فعالیت‌های فن‌آوری را بر عهده دارند، ابزارهایی هستند که با پیشوند «متا» بیشتر به آن‌ها اشاره می‌شود. سازوکارهایی که باید از یک سو «استانداردسازی» را بر عهده داشته باشند و از سوی دیگر «تجمیع فعالیت»‌ها در هر عرصه را به نمایش بگذارند. تا زمانی که سازمان‌هایی فهرست‌برداری از نهادها و فعالیت‌های آنان را بر عهده نگیرند، نمی‌توان به هم‌افزایی امید داشت. مثلاً در عرصه علوم غربی ISI این وظایف را بر عهده دارد. در حوزه علوم اسلامی ما هنوز کار مشابهی نداشته‌ایم که شایسته ذکر باشد.

۶) به نظر شما سیاست‌های مهمی که برای تقویت و یا هدایت این مراکز، باید از طرف نهادهای حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد چیست؟

ایجاد فرصت و انگیزه برای پاره‌ای نهادها و سازمان‌ها که وظیفه فهرست‌برداری و گزارش به‌روز فعالیت‌های تخصصی را بر عهده بگیرند. این کار نیاز به طراحی سازوکارهایی برای سودآور بودن این گونه فعالیت‌های مرتبه دوم دارد.

۷) با توجه به روندهای جهانی فناوری اطلاعات، سرعت همگامی مراکز حوزوی با این تحولات چگونه است؟

بسیار ضعیف است و دلیل آن ناآشنا بودن با طبیعت این گونه فعالیت‌هاست. ما تا حقایق این ابزار را نشناسیم، نمی‌توانیم با آن به بهترین شکل کار کنیم.

۸) میزان موفقیت موسسات در جلب مخاطبان عام و خاص و مهمترین چالش‌ها در این حوزه کدام‌اند؟

از یک سو گسترده بودن ابزارهای دشمن در جذب مخاطبان و از سوی دیگر ضعف ما در شناسایی نیازهای مخاطبان و سبک پاسخگویی به آن، سبب شده موفقیت مؤسسات طرف ما بسیار کم باشد.

۹) وضعیت زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات منطقه قم در مقایسه با روندها و اهداف چگونه است و چه اقداماتی باید در این حوزه انجام شود؟

شما یک سایت بیابید که - فقط - فهرست نهادهای حوزوی فعال در عرصه فن‌آوری را نمایش دهد، آیا می‌توانید؟! زیرساخت‌ها شامل ابزارهایی می‌شوند که «ابزار، سرمایه، اطلاعات و نیروی انسانی» را فراهم کند. از همه مهم‌تر سامانه‌هایی است که فهرست دقیق و به‌روز همین چهار عنصر را ارائه نماید. ما اگر فهرست نیروی انسانی را نداشته باشیم، برای هر پروژه‌ای دستانمان در پوست گردوست که از چه متخصصی می‌توانیم استفاده کنیم و به ناچار به سراغ پسرخاله و دوست و رفیقی می‌رویم که صلاحیت کافی را ندارد. اگر سخت‌افزار، یا نرم‌افزار یا پهنای باند خاصی را نیاز داشته باشیم و همین‌طور اگر به دنبال سرمایه‌گذار می‌گردیم، خیلی‌ها هستند که اهل سرمایه‌گذاری هستند در این عرصه‌ها، ولی نمی‌دانند باید به کجا مراجعه کنند. کسی که اطلاعات مثلاً روستاهای ایران را نیاز دارد، ما اطلاعات زیرساختی را به صورت منظم و به‌روز عرضه نمی‌کنیم. کسی که مثلاً فهرست تمامی سایت‌های وهابیت را بخواهد داشته باشد، از کجا بگیرد؟ فوراً پروژه تعریف می‌شود برای شناسایی، بعد هم می‌بینیم چند پروژه با همین نام در چند مرکز انجام شده است و ما بی‌خبر بوده‌ایم! باید این چهار عنصر را خبررسانی کنیم به صورت به‌روز.

۱۰) مهمترین ابزارهای فناوری اطلاعات که در شرایط فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرند کدامند؟ میزان اثربخشی این ابزارها تا چه اندازه است؟ چه ابزارها یا امکانات فناوری اطلاعات مورد غفلت قرار گرفته است

به اطلاع‌رسانی در اینترنت، نرم‌افزارها در دیسک‌های نوری و البته نرم‌افزارهای موبایل توجه شده است. اما دو اشکال قابل توجه است؛ از یک سو ارتباط هدفمند میان این سه عنصر مغفول بوده و از سوی دیگر به جنبه‌های آموزشی، پژوهشی و ارتباط اجتماعی و انسانی در ابزارهای تولید شده توجه نشده است. مثلاً اگر نرم‌افزار «جامع فقه» ایجاد

می‌کنیم، باید امکانی در اینترنت پدید آوریم که هر کس مایل بود بتواند حاشیه‌نویسی‌هایش در این نرم‌افزار را با یک کلیک ساده در یک فروم اینترنتی به اشتراک گذارد. تصور کنید بتوانید در کنار استفاده از این نرم‌افزار، به حاشیه‌هایی که فلان عالم دینی نوشته است دسترسی داشته باشید، چقدر متفاوت خواهد بود؟!

سیدمهدی موشج - ۱۳۹۰/۴/۱۰